



سرعت گرفت. کسانی که آن دوره‌ی خاص را از نزدیک درک و مشاهده کرده باشند زیاد نیستند و متأسفانه باید گفت به خاطر کم‌کاری‌ها در زمینه‌ی آگاهی و شناخت نسل جوان نسبت به تاریخ معاصر کشور، علی‌رغم آنکه زمان زیادی از آن دوران نگذشته، این نسل آن چنان که باید و شاید اطلاع کافی و عمیقی در این مورد ندارد. بسیاری از ابهامات و شبهات و طمع دشمن به تأثیر بر جامعه، ناشی از همین ضعف است؛ موضوعی که یکی از دغدغه‌های جدی رهبر انقلاب نیز هست:

«... یکی از راه‌های فریب و اغواگری، تحریف تاریخ است که امروز متأسفانه این کار به وفور صورت می‌گیرد... من از اینکه میبینم جوانان ما از این قضایای بی‌اطلاعند، رنج میبرم.»

ادامه در صفحه ۳
← ● ۱۳۸۰/۸/۲۰ «یکی از چیزهایی که

یک تشبیه تاریخی بجا

رهبر انقلاب اسلامی، در بخشی از خطبه‌ی دوم نماز جمعه‌ی تاریخی اخیر تهران که به زبان عربی ایراد شد، فرمودند: «مردم مقاوم لبنان و فلسطین! مبارزان شجاع و مردم صبور و قدرشناس! این شهادتها، این خونهای بر زمین ریخته، نهضت شما را سست نمیکند، بلکه [استوارتر میکنند. در ایران اسلامی، در حدود سه ماه تابستان یک سال (سال ۱۳۶۰ هجری شمسی)، چند ده شخصیت برجسته و ممتاز ما ترور شدند که یکی از آنها شخصیت بزرگی مثل سید محمد بهشتی بود، یکی رئیس جمهوری مثل رجائی و نخست‌وزیری مثل باهنر بود، علمائی از قبیل آیت‌الله مدنی و قدوسی و هاشمی نژاد و امثال اینها بودند. اینها هر کدام در سطح ملی یا محلی از ستونهای انقلاب به شمار می‌آمدند و فقدانشان چیز آسانی نبود؛ ولی انقلاب متوقف نشد، عقب‌نشینی نکرد، بلکه

برخی از فرماندهان ارشد مقاومت لبنان و رهبران این جنبش مقاومت، از جمله عالم مجاهد، جناب سید حسن نصرالله، در حملات تروریستی رژیم صهیونیستی به شهادت رسیدند. شهادت این عزیزان، برخی از دوستداران جبهه‌ی مقاومت و حامیان و همراهان آن را دربارهی آینده و سرنوشت این جبهه دچار نگرانی و بعضاً تردیدهایی کرد. در کنار این نگرانی‌های قابل درک، رژیم صهیونیستی و حامیان غربی آن نیز عملیات روانی سنگینی را در همین زمینه به راه انداختند؛ عملیاتی که هدف اصلی آن ایجاد رعب و وحشت، تردید، تزلزل، و در نتیجه تسلیم در برابر این رژیم جنایت‌کار بود. شایعه‌پراکنی و ساختن و ترویج روایت‌های جعلی از صحنه‌ی جنگ، از جمله‌ی ابزارهای دشمن در این زمینه بود و همچنان نیز هست.

گزارش
هفته
حکمت‌گزاران

خبر هفته



یادداشت هفته



۳ | چهارمین مرحله پویش «ایران همدل»
برای کمک به مردم فلسطین و لبنان آغاز به کار کرد

معرفی کتاب "پاییز آمد" که تقریباً رهبر انقلاب بر آن منتشر خواهد شد

۲ | یک عاشقانه‌ی دلنشین

معرفی کتاب "پاییز آمد" که تقریظ رهبر انقلاب بر آن منتشر خواهد شد

یک عاشقانه‌ی دلنشین

در سالگرد سفر رهبر معظم انقلاب به استان زنجان، «شانزدهمین پاسداشت ادبیات جهاد و مقاومت» همراه با انتشار تقریظ حضرت آیت‌الله خامنه‌ای بر کتاب «پاییز آمد» توسط مؤسسه‌ی پژوهشی-فرهنگی انقلاب اسلامی در مصلی حضرت خاتم‌الانبیاء زنجان برگزار خواهد شد.

«پاییز آمد» روایت زندگی خانم فخرالسادات موسوی و سردار شهید احمد یوسفی، فرمانده واحد مهندسی، رزمی سپاه ناحیه زنجان است که در ۲۴۰ صفحه به قلم خانم گلستان جعفریان نوشته و توسط انتشارات سوره مهر چاپ و منتشر شده است. آنچه در پی می‌آید یادداشتی است در معرفی اجمالی این کتاب.

یادداشت هفته



بدون افتادن به دام بزرگ‌نمایی یا تاکیدات اغراق شده بر جنبه‌های عاشقانه‌ی این زندگی، عشق را با نجابت و شیرینی توامان روایت کند.

گلستان جعفریان که پیش از این در کتاب‌هایی همچون «همه سیزده سالگی ام» و «روزهای بی‌آینه» مهارت بالای خود در خلق آثاری روان و خواندنی را به تصویر کشیده بود، در «پاییز آمد» هم به خوبی از پس روایت زندگی پرماجرا و پرثمر خانم موسوی و شهید یوسفی برآمده. کتاب پر است از توصیفات لطیف و خردمندانه‌ی دل‌نشین که در کنار هم، پازل شخصیت فخرالسادات خانم را برای مخاطب «پاییز آمد» تکمیل می‌کند؛ شمایل زنی فعال، دغدغه‌مند، انقلابی و البته «مادر» که به خوبی می‌تواند میان مسئولیت‌های اجتماعی یک زن مسلمان و وظایف همسری و مادری اش پیوند برقرار کند و با به کمال رساندن هر دو نقش، به یک نمونه از «الگوی سوم زن» تبدیل شود. از این منظر اگر نگاه کنیم، «پاییز آمد» علاوه بر تمام جنبه‌های مثبتش، می‌تواند یک کتاب «راهبردی» هم باشد؛ کتابی که با استفاده از معجزه‌ی ادبیات، یکی از عمیق‌ترین مفاهیم مدنظر رهبری را در دل زندگی یک زوج عاشق و مجاهد، تصویر می‌کند تا از میان کلمات کتاب، طرحی از زندگی یک زن الگو به چشم بیاید. شاید از این جهت، اهمیت یادداشت رهبر انقلاب بر این کتاب هم بیشتر خود را نمایان کند. آیت‌الله خامنه‌ای کتابی را تمجید کرده‌اند که اگرچه اثری هنرمندانه، خواندنی و خوش مضمون است اما ارزش‌های آن فقط محدود به این موارد نیست و جنبه‌های محتوایی و گفتمانی عمیقی از دل همین زندگی‌نامه، قابل حصول است.

«پاییز آمد» مستقل از همه‌ی ارزش‌هایی که حاصل پرداختن به زندگی یک شهید است، از منظر تکنیکی هم یک کتاب ارزنده به شمار می‌رود؛ یک روایت روان و خوش‌خوان از زندگی عاشقانه‌ی زن و مردی که زندگی کردن بلد

نهضت به حضور همه‌ی دل‌سپردگانش در صحنه نیاز داشت و در این «حضور» تفاوتی میان زن و مرد نبود. روی همین حساب، زنان هم باید به میدان می‌آمدند، کاری را دست می‌گرفتند و حتی در صورت نیاز آموزش رزم می‌دیدند. احمدآقا در میان همین دوندگی‌های اوایل انقلاب بود که با فخرالسادات خانم آشنا شد؛ در سپاه. آشنایی‌شان خیلی زود به خواستگاری منجر شد و موافقت پرماجرا پدر دختر خانم و سفر این دو جوان به تهران برای اینکه آقای هاشمی رفسنجانی خطبه عقدشان را بخواند و بعد آغاز یک سفر عاشقانه که در «پاییز آمد» روایت می‌شود.

مهم‌ترین ویژگی کتاب، روایت ساده، بی‌پیرایه و دلنشینش از «عشق» است؛ عشقی به معنای زمینی کلمه که مقدمه‌ی یک عشق آسمانی می‌شود. احمدآقا و فخرالسادات خانم عمیقاً عاشق هم‌اند و این عشق را بدون واژه‌های روز می‌دهند. آن‌ها در خرج کردن محبت خسیس نیستید.

«دوستت دارم» را بارها

و بارها به زبان

می‌آوردند و در عمل

نشان می‌دهند.

می‌خندند، شوخی

می‌کنند، شیطنت

دارند و «زندگی» بلدند. و

با وجود همه‌ی اینهاست که

تن می‌دهند به مجاهدت، می‌زنند

به میدان جنگ و بانوی قصه

هم مسیر می‌شود با همسرش و او

را مشایعت می‌کند تا در

باغ شهادت. احتمالاً

شیرینی این زندگی

عاشقانه آن قدر در

کام فخرالسادات خانم

پایدار بوده که سه دهه بعد از

شهادت همسرش، آن عاشقانه‌ها

را به دست راوی «پاییز آمد»

بسپارد تا یک اثر ادبی متفاوت

و محترم به کتابخانه ادبیات

پایداری کشور اضافه شود.

«پاییز آمد» در روایت یک

عشق پاک، موفق است و

شاید از دور شبیه هم به نظر برسند؛ انسان‌هایی آرمان‌خواه و میهن‌دوست که در راه یک ارزش بزرگ، زندگی خودشان را وقف می‌کنند و به افتخار «شهادت» در مسیر حق نائل می‌شوند. نمای باز زندگی همه‌ی این آدم‌ها یکسان به نظر می‌رسد اما از نزدیک که نگاه کنیم اما هر شهید یک قصه است؛ یک داستان شنیدنی، یک کتاب خواندنی که فقط یک نسخه از آن چاپ شده و دیگر هیچ وقت تجدید چاپ نمی‌شود. زندگی هر شهید، از جهاتی شبیه دیگر شهدا و از جهاتی بسیار بیشتر، منحصر به فرد است. جهان هر شهید را مجموعه‌ای از باورها، دیدگاه‌ها و کنش‌ها می‌سازد که خاص خود او و خانواده‌اش است. ثبت و «روایت» این زندگی‌های متمایز و متنوع که در نهایت مثل رودخانه‌هایی خروشان به یک دریا می‌ریزند، کاری است که «ادبیات» از پس آن برمی‌آید و می‌تواند هر کدام از این زندگی‌ها، این کتاب‌های نایاب را در دسترس ما قرار دهد.

زندگی هر شهید، خاص خودش است. با ماجراهایی که مسیر او را به سمت شهادت هموار می‌کند. شاید اصلاً یکی از ویژگی‌های برجسته‌ی نهضت امام خمینی همین بود که سربازانش نه آدم‌هایی شکل هم و قالب‌زده شده، بلکه انسان‌هایی صاحب‌اندیشه، متکثر و متمایز بودند؛ مردان و زنانی که هریک به سبک خود زندگی کردند اما مثل هم به سعادت شهادت رسیدند. آدم‌هایی که هم عاقبت بودند اما هر کدام از مسیری منحصر به فرد به این عاقبت رسیدند. یکی از این انسان‌ها سردار شهید احمد یوسفی است؛ از فرماندهان سپاه ناحیه زنجان که سال ۱۳۶۵ به شهادت رسید اما پیش از رسیدن به این جایگاه آسمانی، یک زندگی عاشقانه را با همسرش از سر گذراند؛ شیرین و پرماجرا، درست مثل قصه‌های افسانه‌ای، شبیه داستان‌های عاشقانه‌ی کهن فارسی. تو بگو یک طرف ماجرا فرهاد کوه‌کن است و یک طرف شیرین افسانه‌ای. هر دو اما مال همین سی-چهل سال پیش، بیخ گوش خودمان در تاریخ معاصر همین آب و خاک.

«پاییز آمد» راوی یک زندگی این چنین است، ساده و بی‌آلایش و عاشقانه. زندگی بانو فخرالسادات موسوی و سردار شهید احمد یوسفی را خانم گلستان جعفریان با کلمه‌های دلکش و فکرشده‌اش در «پاییز آمد» قاب گرفته. ماجرا از تکاپوی فخرالسادات خانم در روزهای نخست پس از پیروزی انقلاب آغاز می‌شود؛ روزهایی که



بودند و خوب می‌دانستند میان عشق و آرمان نه تزاخم که رابطه‌ی تکاملی برقرار است؛ دو ستاره که از مسیر یک عشق زمینی عمیق و رشک‌برانگیز، راهی به سوی آسمان پیدا کردند.



نجات و فلاح باید هدف زندگی باشد

خیلی چیزها را انسان میداند، اما باید مرتب به انسان یادآوری بشود. توجه کنیم که ما کجا هستیم، چه کار داریم میکنیم، هدف چیست؟ هدف، این یک شاهی صنار دنیا نیست که ما به خاطر آن، وظیفه‌ی بزرگ را فراموش کنیم و اهداف عالی را زیر پا بگذاریم. هدف، مدح و تمجید این و آن نیست... اینها که برای بشر کوچک است. هدف، فلاح است؛ نجات است - «قد افلح المؤمنون»^(۱) - باید آن را هدف گرفت. باید به فکر زندگی حقیقی بود، که این زندگی حقیقی شروع خواهد شد... هدف این است که آنجا را آباد کنیم؛ همه‌ی اینها مقدمات است.

۱۳۸۹/۰۱/۱۶ •

۱. سوره‌ی مؤمنون، آیه‌ی ۱

حدیث زندگی



کمک به برپایی حکومت حق، مسئولیت مردم است

در این خطبه‌ی معروف صفین، که مطالب زیادی در باب حکومت در این خطبه وجود دارد، امیرالمؤمنین علیه السلام یک عبارتی دارند که به نظر من خیلی مهم است: وَلَکِن مِّنْ وَاجِبٍ حُقُوقِ اللَّهِ شُبْحَانَهُ عَلَىٰ عِبَادِهِ النَّصِيحَةُ بِمَبْلَغِ جُهِدِهِمْ وَ التَّعَاوُنُ عَلَىٰ إِقَامَةِ الْحَقِّ بَيْنَهُمْ؛^(۱) جزو مهم‌ترین و لازم‌ترین حقوق پروردگار این است که: التَّعَاوُنُ عَلَىٰ إِقَامَةِ الْحَقِّ بَيْنَهُمْ؛ باید همکاری کنند تا حق در جامعه اقامه بشود، برپا بشود؛ یعنی این مسئولیت مردم است دیگر؛ مردم مسئولند، بایستی کمک کنند که در کشور، حکومت حق برپا

بشود، حکومت خدا برپا شود. • ۱۴۰۰/۳/۱۴

۱. نهج البلاغه، خطبه ۲۱۶

احکام



خمس جهیزیه بلا استفاده

سؤال: شخصی برای دخترش که در شرف ازدواج است جهیزیه تهیه می‌کند اما به دلائلی مانند فوت دختر یا طلاق و... مورد استفاده قرار نگرفته و نزد او باقی مانده است؛ آیا باید خمس آن را بدهد یا آنکه مئونه محسوب شده و خمس ندارد؟

جواب: بنا بر احتیاط واجب، مشمول خمس می‌گردد.

خطبه‌ها

صاحب امتیاز: مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای

@Khatt-khamenei | @khattehbollah

چاپ و توزیع به همت نیروهای مؤمن و انقلابی



تکالیف الهی، برای مالطف است



ما تا در این حیات دنیوی هستیم، تا در اینجا هستیم، ما موریتها از طرف خدای تبارک و تعالی داریم و باید قیام کنیم به این ما موریتها. باید غفلت نکنیم از تکالیف الهیه. تمام تکالیف الهیه الطافی است الهی و ما خیال می‌کنیم تکالیفی است. همه اش الطاف است: چه تکالیف فردی [که] برای هر نفری هست... و چه تکالیف اجتماعی که ما مکلف هستیم؛ در اجتماع تکالیفی داریم و باید به آن تکالیف عمل کنیم برای تنظیم این اجتماع. • امام خمینی علیه السلام | ۱۳۵۶/۸/۱۰

خطبه‌های انقلاب



نماز جمعه، نیروبخش و تبیین‌گر ۸ سال دفاع مقدس ما بود

هشت سال دفاع مقدس ما از نماز جمعه‌ها نیرو گرفت و در نماز جمعه‌ها تبیین شد. سخت‌ترین دوران این انقلاب - یعنی سالهای پنجاه و نه و شصت - که توطئه عظیم سیاسی علیه امام و انقلاب و کشور طراحی و اجرا میشد، این توطئه در نماز جمعه‌ها شکست خورد. مردم در طول این مدت، در نماز جمعه، از زبان یک امام عادل و یک نفس امین - که همین ائمه جمعه محترمی هستند که در تهران و شهرستانها با مردم حرف می‌زنند - نسبت به مسائل کشورشان و مسائل جهان آگاه شدند و اطلاعاتشان به روز شد. در هیچ جای دنیا چنین چیزی وجود ندارد. این از برکات انقلاب بود.

• بیانات در خطبه‌های نماز جمعه | ۱۳۷۷/۸/۸

قاب ماندگار



گوشه‌هایی از تصاویر ارسال شده مردم از حاشیه‌های نماز جمعه تاریخی ۱۳ مهر رهبر انقلاب به پوشش # جمعه - نصر

در این ایام



حاج آقا مصطفی از لحاظ استعداد علمی کم نظیر بود

مرحوم حاج آقا مصطفی [خمینی] انسان برجسته‌ای بود. البته من این سالهای آخری که ایشان رفتند اول به ترکیه و بعد نجف، خب ایشان را دیگر ندیده بودیم؛ از دور از بعضی از احوال ایشان مطلع بودیم؛ لکن وقتی ایشان قم بود و ما هم قم بودیم، کاملاً نزدیک من ایشان را می‌شناختم. اولاً ایشان از لحاظ ذهن و استعداد علمی، جزو افراد کم نظیر بود؛ یعنی ایشان واقعاً [دارای] یک استعداد برتر و یک ذهن وقاد بود. ایشان درس هم خوب خوانده بود؛ با اینکه حالا ایشان اهل گنده و مانند اینها هم بود. • ۱۳۹۶/۷/۳۰

• به مناسبت آبان، شهادت سید مصطفی خمینی

با این ستاره‌ها...



امام جمعه معتبر کرمانشاه



یک نکته [در زمینه نماز جمعه] دشمنی‌هایی است که از اول انقلاب تا امروز با نماز جمعه شده است. هر هفته تبلیغات سنگین جحیمی از طرف دشمنان نسبت به نماز جمعه صورت می‌گرفت... آنها به تبلیغات هم اکتفا نکردند و نماز جمعه را مورد تهاجم خونین قرار دادند. پنج امام جمعه معتبر معروف را به شهادت رساندند: مرحوم آیه‌الله قاضی، مرحوم آیه‌الله مدنی، مرحوم آیه‌الله صدوقی، مرحوم آیه‌الله دستغیب، مرحوم آیه‌الله اشرفی. پنج عالم مجتهد پیرمرد با تقوای پرهیزکار پارسا و پاکدامن را که هر هفته مردم با دل و جان پشت سر آنها می‌ایستادند و به آنها اقتدا میکردند، جلو چشم همین مردم در نماز جمعه به شهادت رساندند. • ۱۳۷۷/۸/۸

• این شماره خط حزب الله تقدیم می‌شود به شهید محراب، آیت‌الله عطاءالله اشرفی اصفهانی

تاریخ شهادت: ۱۳۶۷/۲۳ | محل شهادت: مسجد جامع کرمانشاه | نحوه شهادت: ترور توسط منافقین در مراسم نماز جمعه | مزار: تخت فولاد اصفهان